

حق گوش

روایتی در رساله‌ی حقوقیه‌ی امام سجاد علیه السلام در مورد حقوق مختلف اعضای بدن نقل شده است که حضرت سجاد علیه السلام در واقع در آن یک دوره‌ی کامل، بحث اخلاقی فرموده‌اند. در حق گوش فرموده‌اند:

"وَأَمَّا حَقُّ السَّمْعِ فَتَنْزِيهُهُ عَنْ أَنْ تَجْعَلَهُ طَرِيقاً إِلَى قَلْبِكَ إِلَّا لِفُؤْهَةٍ كَرِيمَةٍ تُحَدِّثُ فِي قَلْبِكَ خَيْراً أَوْ تَكْسِبُ خُلُقاً كَرِيماً فَإِنَّهُ بَابُ الْكَلَامِ إِلَى الْقَلْبِ يُؤَدِّي إِلَيْهِ ضُرُوبُ الْمَعَانِي عَلَى مَا فِيهَا مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. اما حق گوش بر تو آنست که منزّه و پاک کنی از این که راهی به سوی قلب تو باشد مگر برای شنیدن مطالب خوب و مفیدی که در قلب تو خیری ایجاد نماید؛ یا آن که سبب کسب خلق نیکی گردد؛ زیرا گوش دروازه‌ی سخن به سوی قلب است و موج -- سبب انتقال انواع و اقسام معانی به قلب می‌باشد با تم -- نام خوبیها یا بدیهای که در آن وجود دارد و قوت و قدرتی نیست مگر قوت و قدرت پروردگار"

که فرموده‌اند: آدمی فربه شود از باب گوش. بنا نیست که عموم انسانها از طریق وحی ترقی کند! از عوامل مهم در ترقی انسان سماع است. لذا تأکید فراوانی نسبت به حضور در نزد عالم شده است و در روایتی نقل شده است که: "حرصت به استماع بیشتر باشد از حرصت در سخن گفتن نزد عالم"

فرد عاقل از کلمه به کلمه‌ی عالم استفاده می‌کند، چون می‌داند که راه ترقی از سماع است.

در نهج البلاغه وارد شده است که: "خدا این عضو را به ما مرحمت کرده است تا حرف خدا و حجت خدا را بشنویم." شنیدن حکمت، زنگار قلب را می‌زداید و مخصوصاً اگر از اهل آن باشد، تأثیر و تأثر دیگری دارد.

مسأله‌ی القاء و تلقین هم از طریق گوش است. در بیانات ائمه‌ی معصومین علیهم السلام این چنین آمده است:

۱- تحف العقول / النص / ۲۵۷ / رسالته ع المعروفة برسالة الحقوق ص : ۲۵۵

"با سماع حکمت عقل بارور میشود."

قابل ذکر است که انسان دو عقل دارد. عقل مطبوع که طبیعت اولیه است و عقل مسموع که اکتسابی است. و فرموده اند اگر آن عقل طبیعی نباشد، عقل اکتسابی اثری ندارد. چون فرد باید یک زمینه ی اولیه ای داشته باشد تا وقتی می شنود آن بذر در او رشد کند. در حقیقت آن عقل اولیه مانند بذری است که احتیاج به آبیاری دائم دارد.

بسیاری از علمای بزرگ از دهات بوده اند. مثل آقا سید ابوالحسن اصفهانی که عالم فوق العاده ای بود. گاهی اوقات قوم و خویشان ایشان وقتی به نجف خدمت ایشان می رفتند به قدری دهاتی بودند که افراد تعجب می کردند که در این خانواده ملّایی پدید آمده که از نظر عظمت تقلید و مرجعیت چنین جایگاهی دارد، و البته شاید بتوان گفت که بعد از ایشان هم کسی با این موقعیت علمی و معنوی نیامده است. در زمان مرجعیت ایشان، قاطبه ی شیعه از ایشان تقلید می کردند. ایشان تأکید داشتند به استماع مطلب از اهلش. لذا می فرمودند که نَفَس استاد باید به فرد بخورد. خواندن کتاب خیلی خوب است ولی مثلاً خواندن کتاب شیخ انصاری یک چیز است و شنیدن کلام از خود او چیز دیگری است. این دوتا یکی نیست. در این هدف لازم نیست آنچه می شنویم یک بیانِ کاملاً علمی باشد که انسان را متحول کند، گاهی یک کلمه ی ساده از بیان یک اهل علم و معرفت، فرد را به کلی تغییر می دهد که این نشان می دهد استماع چیز دیگری است.

گوش عضو بسیار حساسی است. فرموده اند خدا این را وسیله ی درک حکمت قرار داده است. و فرموده اند که: "حَقُّ السَّمْعِ تَنْزِيهُهُ عَنِ السَّمْعِ الْغَيْبِيِّ وَ سَمَاعٍ مَا لَا يَحِلُّ سَمَاعُهُ." حق گوش است بر شما که آن را به امور غلط مشغول نکنید.

وقتی که قنداقه ی امیرالمؤمنین علیه السلام را به دست نبی اکرم صلی الله علیه و آله دادند، در همان روزهای اول، اولین کلامی که حضرت از سرتاسر قرآن مطرح کردند، معرفی دوستان خودشان بود: "قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ." چه کسانی قرار است با من وارد بهشت شوند و إلى الابد در نجات باشند. مؤمن کسی است که پیرو من باشد.

"الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ." آنان کاملاً از لغو اعراض دارند. کلام بیهوده نه می گویند و نه می شنوند.

در غررالحکم نقل است که ایشان فرمودند: "سَامِعُ هُجْرِ الْقَوْلِ شَرِيكُ الْقَائِلِ." کسی که کلام بیهوده را می شنود مانند این است که کلام بیهوده می گوید. همچنین فرمودند: شنونده غیبت یکی از دو غیبت کننده است. لذا آقا امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند مبدا این عضو شریف را در مسیری قرار دهید که خبیث ترین چیزهایی که در وعاء طرف مقابل است را به قلب شما منتقل کند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَجْلِسُ فِي مَجْلِسٍ يُسَبُّ فِيهِ إِمَامٌ أَوْ يُعَابُ فِيهِ مُسْلِمٌ. کسی که ایمان به خدا و روز آخرت دارد، نباید در مجلسی که به امام و حجت خدا بی احترامی می شود، یا پشت سر مسلمانی غیبتی شود، بنشیند.

ببینید که چگونه است که حضرت کنار بی احترامی به امام، غیبت یک مسلمان را مطرح فرمودند! و نکته مهم در نحوه استفاده صحیح از این عضو شریف است. چنان که فرموده اند: سامع قرآن به هر یک حرفی یک حسنه برایش نوشته می شود و یک سیئه از او محو می شود و یک درجه به درجات آخرتش اضافه می شود.

اینگونه است که باب بهره مندی نیکو از این نعمت الهی هم گسترانیده شده تا اهل معرفت از آن بهره مند گردند.